

# مردان سکوت

گفتار رئیس افریقایی، ثمره مقدس آموزش دیرین  
و عجیب با سکوت است.

## گفتگو با کریستف ونجی

افریقای غربی از این تندیسها به منزله وزنه‌هایی برای وزن کردن طلا استفاده می‌شد. تنها راه دستیابی به این گفتار گذار از مراحل پیاپی سکوت است، مرحله‌ای که «دهان را قرص می‌کند».

### ■ چه کسی می‌تواند گفتار یک پیر را دریابد؟

— پدر از میان پسران، آرامترین را برمی‌گزیند همان که کمتر از همه از کوره درمی‌رود، همان که درباره‌اش می‌گویند «همچون یک گور است»، یعنی گفتارها را جذب می‌کند اما چیزی بر زبان نمی‌آورد. او با رفتارشان نشان می‌دهد که مشتاق یادگیری است: در محضر «بزرگان» می‌نشیند اما در حضورشان سکوت اختیار می‌کند و بدین ترتیب نشان می‌دهد که جایگاه خود را می‌شناسد.

روزی پدر پسر برگزیده‌اش را به کناری می‌کشد و به او می‌گوید: «پسر من می‌خواهم بخشهایی از گفتار بزرگ را برایت نقل کنم، گفتاری که از تبار خانوادگی مان سخن می‌گوید. باشد که چیزی از آن را فاش نکنی. من مطمئن‌ام که دهانی قرص داری».

آن کس که دهانی قرص ندارد و هر آنچه به او گفته می‌شود بی‌درنگ بازگو می‌کند، کنار گذاشته می‌شود، چون «همه چیز را به سادگی می‌توان از او بیرون کشید: اگر نتواند در جوانی زبان در کام کشد، چگونه بعدها خواهد توانست رازی مهم را نگه دارد؟ باز شناختن آدم «دهن لق» ساده است. کافی است برایش چیزی بی‌اهمیت را تعریف کنید و او را سوگند دهید که آن را برملا نسازد. اگر در مواجهه با هرکسی که از راه رسید، شروع به لاف‌زنی در آن مورد کرد و شایعه به سرعت، در ساعات گرم روز و زیر سایبانهای کاهی پخش شد، آنگاه وراج دهن لق برای همیشه رسوا خواهد شد.

### ■ چگونه گفتار انتقال می‌یابد؟

— با دهانی بسته و گوشهایی باز. جوان می‌گذارد تا پیر سخن بگوید. استاد به آرامی و با صدایی آهسته، اندیشه‌هایش را بیان می‌کند. سخن او با سکوت و درنگهایی طولانی قطع می‌شود تا سخنش در جوان رسوخ کند و بخشی از او شود.

### ■ افریقا اهمیت بسزایی برای سنت شفاهی قابل است. آیا

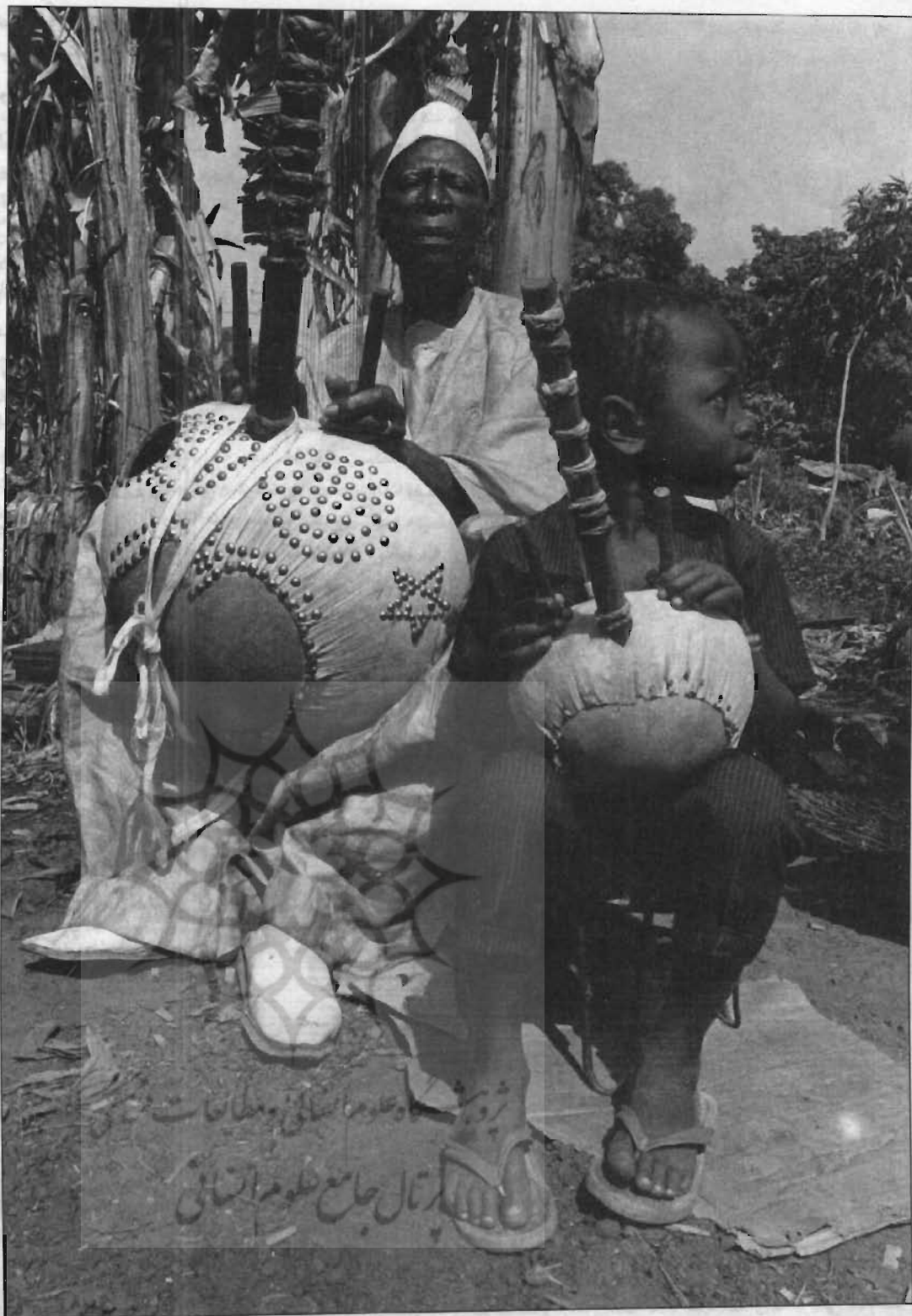
این به معنای وجود یک «سکوت افریقایی» است؟  
— چندین نوع سکوت وجود دارد. مثلاً، سکوت شب و سکوت جنگل که در تقابل است با صدای طبل جشن و سرورها، و با سخنوری و بلاغت گریونها یا همان موسیقیدانها و تاریخنگاران فرهنگ قومی. همچنین سکوت‌هایی عمیق وجود دارد که گفتار فرزندان را قطع می‌کند، همانند گفتار اوگوتوملی این پیر فرزانه که با پرسش مارسل گریول (قوم‌شناس فرانسوی) قطع شد.

گفتار عمل است و از اعماق وجود برمی‌آید. گفتار تمهد است. از همین‌رو، یک رئیس، خواه رئیس خانواده و خواه رئیس دهکده، تنها در زمان و مکان مناسب سخن می‌گوید. گفتار رئیس می‌تواند جدایی اندازد، زخمی کند یا حتی بمیراند. بنابراین، رئیس به هنگام سخن گفتن، گفتارش را سبک و سنگین می‌کند. بنابر یک ضرب‌المثل آکائی، سنگینی گفتار برابر است با سنگینی و وزن طلا، و این بدان معناست که گفتار قابل‌قیاس با نشانه‌هایی است که بر تندیسهای کوچک برنزی حک شده است؛ در گذشته در

رئیس دهکده جاتو  
(بوتسوانا).



گربوت (موسیقیدان و تاریخنگار دهکده) یک دهکده در گینه به همراه نوه خود.



گربوت (موسیقیدان و تاریخنگار دهکده) یک دهکده در گینه به همراه نوه خود.

فرا خواهد رسید که او نیز به نوبه خود مسئولیت یک خانواده، گروهی از شکارچیان یا کل دهکده را عهده دار شود. مدتی است که مربیان و آموزگاران می‌کوشند که مطابق الگویی غربی، روش‌های جدیدی از «بیان و ارتباط» را در مدارس ساحل عاج متداول کنند. این روشها بر گفتگو تأکید دارند. آموزگاران از همان ابتدا از دانش‌آموزان می‌خواهند که «دیدگاه‌تان را ابراز کنید. شکها و انتقادهایتان را ضابطه‌بندی کنید». به سادگی می‌توان دریافت چقدر دشوار است که این دانش‌آموزان بتوانند با رویه‌ای کاملاً متضاد با سنت خود،

■ آیا مرید به هنگام آموزش، نظری هم ابراز می‌کند؟  
 - او هرگز سخن پیر را با گفته‌ای نابهنگام قطع نمی‌کند. او برای سالیان دراز، کاری جز گوش فرادادن ندارد. و در نتیجه این گوش فرادادن صبورانه، ذهن و روحش ارتقا می‌یابد و کم‌کم به حقیقت مجسم در استاد نزدیک می‌شود.  
 تنها آن‌هنگام که درمی‌یابد کمی فهمیده است، آغاز به پرسش می‌کند، البته بی آنکه در این کار شتابی به خرج دهد. مادام که گفتار پیر را از آن خود نساخته است، نخواهد توانست دانشش را بجا و مناسب به کار گیرد. و این تنها زمانی

سنتی مبتنی بر احترام به استاد و دانش، سازگاری یابند.

### ■ آیا می‌توان گوش فرا دادن خاموش و ساکت مرید را با

گوش دادن ساکت شکارچی در کمین شکار مقایسه کرد؟

— به نوعی بله. در آکان، سکوت را با این عبارت تعریف می‌کنند: «از جنگل عمیق صدایی به گوش نمی‌رسد.» شکارچی جوان بی‌حرکت و درحالی که نفس را در سینه حبس کرده است، یاد می‌گیرد که جانوران را با صداهایشان بازشناسد: غرش پلنگ و گامهای خاموش و بی‌صدای او، صدای برهم خوردن گوشهای فیل، و خش خش علفها زیر شمش بزکوهی. برای هر حیوانی باید روش و رفتار خاصی را پیش گرفت و تیری مناسب را به کار برد. شکارچی به هنگام مواجهه با پلنگ، این حیوان تنها و جنگجو و تیزشامه در احساس خطر، باید روش کاملاً متفاوتی را درمقایسه با مواجهه با بزکوهی ترسو و بی‌تزویر پیش گیرد. تیر شکارچی باید با همان نخستین تیراندازی، سر یا قلب پلنگ را نشانه رود، وگرنه کلکش کنده است.

به همین ترتیب، رئیس خانواده یا دهکده، یا درحقیقت، شاه مردمان آشنائی باید درگیریها و خصومتها را با درایتی تمام حل و فصل کند بی‌آنکه حق کسی را زیر پاگذارد. او نیز همانند شکارچی در کمین نشسته، خود را از معرکه برکنار نگاه می‌دارد و با میانجی «حامل عصا»<sup>\*</sup> ی خود، مرافعه را هدایت می‌کند. گفتار رئیس مربوط به همه است و همه را خطاب قرار می‌دهد. در نتیجه، حامل عصا باید بخشهایی از این گفتار را برگزیند و به عبارتی آن را «الک» کند. این گفتار سرشار از ناگفته‌هاست، ناگفته‌هایی بی‌نهایت مهم که تنها پیران قادر به رمزگشایی آن‌اند.

فیلها در پارک طبیعی چوبه (بوتسوانا).

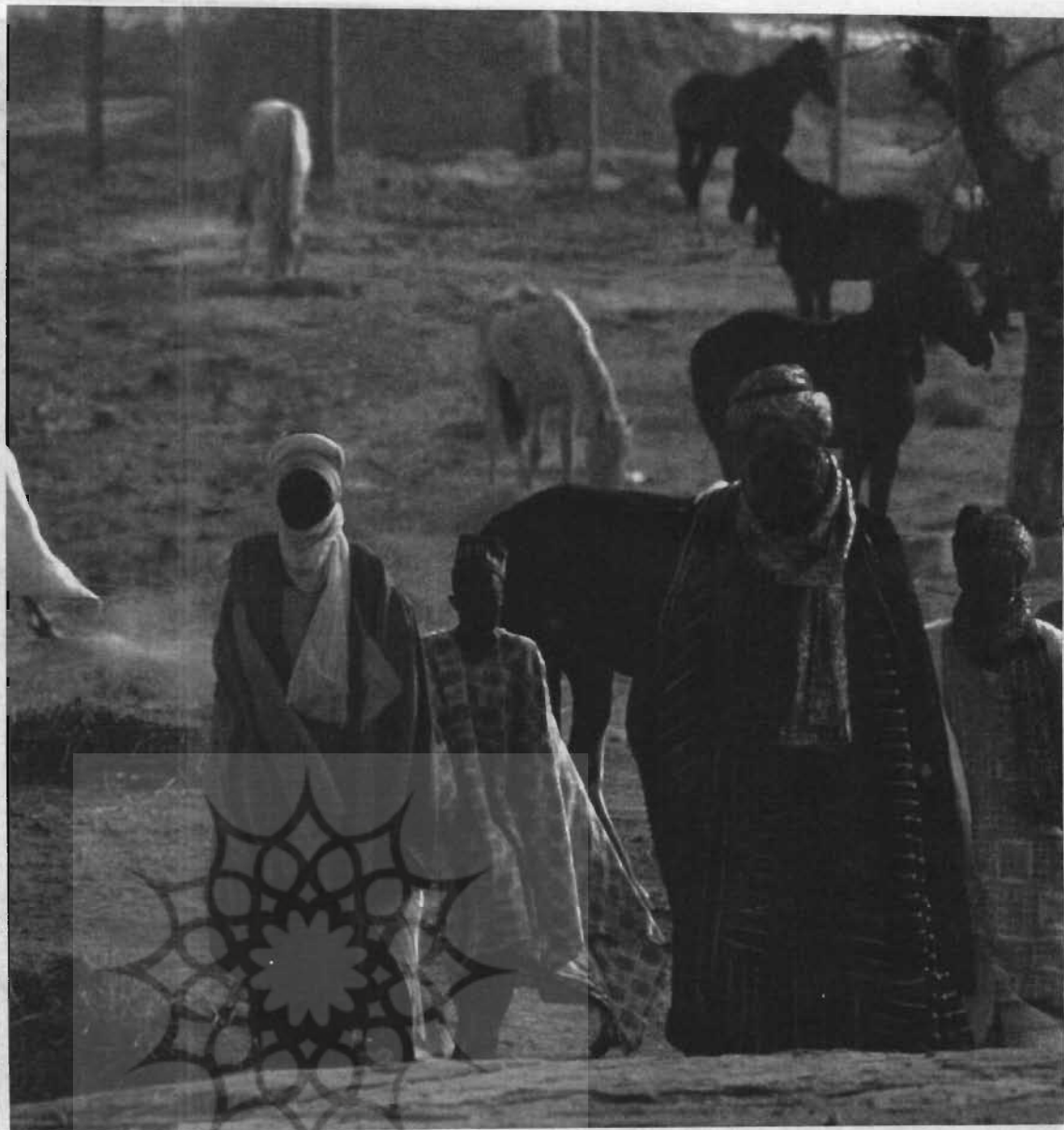


پس رئیس صبورانه و بی‌آنکه دخالت کند، گوش فرا می‌دهد. او با خو گرفتن به کناره‌گیری و مشاهده دقیق دیگران، نقب زدن به اعماق روح آدمی را فرا گرفته است. او پشت نقابها و گفته‌های متناقض را می‌بیند و می‌خواند و تنها آن هنگام مداخله می‌کند که با چند کلمه، مسائل را حل و فصل کند. انتظار چنین است که با شجاعت و به‌درستی تصمیم بگیرد. به‌علاوه، باید «به‌درستی نشانه رود» یعنی اخلاک‌گر را بازشناسد بی‌آنکه او را طرد کند چون «آنکه را خطاکار است نباید از خانه بیرون راند».

### ■ شما از گفتار درمیان عموم سخن گفتید. حال گفتار در

خلوت چگونه است؟

— یک رئیس در هر زمان و هر مکان و با هرکسی سخن نمی‌گوید مگر با میانجی حامل عصای خود. اگر فردی به اصطلاح خیرخواه به دیدن او بیاید و رازی از یکی از یاران او را برایش فاش کند، صرفاً می‌گوید: «مشکرم، شنیدم»، از



گروهی از رؤسای مردم غرب آفریقا به هنگام بازگشت از یک مراسم (نیجریه).

کلامی بر زبان آورد، به تمامی داد و فریادهای ایشان گوش فرا داد، سپس چنین حکم داد: «حق با شما است». آنگاه ساکنان ناراضی را فرا خواند تا به همراه او، گرد خمره‌ای از بانگویی جمع شوند. ناراضیان همگی با پریشان‌حالی، سکوت اختیار کردند و سرانجام پذیرفتند که «ما کار را از حد گذرانیم».

رئیس مسئول جنگ و صلح است. او باید کلماتی را برگزیند که آرامش می‌بخشند و نه کلماتی که تهییج می‌کنند؛ چون باید پس از مرگ خود، جامعه‌ای پویا و متحد و سعادتمند برای فرزندانش باقی گذارد و در تحقق این مهم، پاسخگویی نیاکانش باشد. ■

#### گفتگو از میریام سماجا

\* «حامل عصا، همان سخنگوی رئیس است که عصای چوبی رئیس را به منزله نماد قدرت او حمل می‌کند.»

او روی می‌گرداند و دیگر او را نمی‌پذیرد. به‌راستی هم چگونه می‌توان به کسی که رازی را فاش می‌کند اعتماد کرد؟ وانگهی، مگر این سخن‌چین با این عمل خود، در مورد بصیرت رئیس تردید روانی دارد؟ گویی به رئیس گفته باشد: «تو نمی‌دانی اطرافیان خود را چگونه انتخاب کنی؟» رئیس به خوبی از گفته‌های افتراآمیزی که هدفی جز سست کردن قدرت او ندارد، آگاه است و به خطا نمی‌رود.

اقتدار رئیس پیش از هرچیز بر توانایی او در حفظ آرامش و تسلط بر خود استوار است. او این توانایی را از همان عتفوان جوانی رشد داده است و به یمن آن، فاصله‌ای را با خود حفظ می‌کند و بر خشم و تندخویی خود مهار می‌زند. روزی ساکنان دهکدهٔ بته (Bété) به‌تصور آنکه مردان رئیس به دهکده‌شان حمله آورده‌اند، برای توهین و ناسزاگویی به مردان، به دهکدهٔ رئیس آمدند. هنگامی که رئیس ظاهر شد، ناسزاهای ساکنان دهکدهٔ بته دوچندان شد، چون رئیس مظهر تمامی دهکده بود. رئیس نخست بی‌آنکه

کریستف ونجی  
(Christophe Wondji)  
رئیس بخش تاریخ عمومی و منطقه‌ای  
وابسته به بخش همکاری‌های فرهنگی  
بین‌المللی یونسکو است. یکی از آثار  
منتشر شدهٔ او عبارت است:  
*La Côte ouest-africain du Sénégal à  
la cote d'Ivoire, Géographie,  
sociétés, histoire, 1500-1800*  
(جغرافیا، جوامع و تاریخ ساحل  
آفریقای غربی از سنگال تا ساحل عاج،  
۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ م، پاریس ۱۹۸۵)